

**Sociology of Constitutional Age Compositions Based on Critical
Discourse
(Case study of Bahar's compositions)**

Hosein Aftabi¹
Arash Moshfegi²
Naser Alizadeh³

Received Date: 12 Oct 2022
Reception Date: 30 Dec 2022

Abstract

The constitutional revolution also transformed the literary system due to changes in the system of government, although it should not be forgotten that this revolution, in turn, was the product of enlightenment in the music and poetry of the poets of this period. It was his own, and so the music, poetry, and literature of this period contributed to the victory of the Constitutional Revolution. Also, with the arrival of political and social themes in the field of poetry and music of the constitutional era, the socio-political discourse of this period was formed in the context of music and literature. Discourse analysis is essentially interpretive reading, and the writings of the constitutional era, like situational texts, have been identified as the product of this period. The discourse of music in the compositions of this period, as a semantic system on the construction of society, has been able to have an organized connection with the semantic world of the constitutional period. Here discourse is the place where music and power collide. That is, power has been decentralized as a subject, and discourse has emerged as musical propositions. Patriotic compositions were one of the

¹. PhD. Student in Persian Literature, , Bonab branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.

². Assistant Professor of Persian Language and Literature, Bonab branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran. (Correspondent author) moshfegiaresh@gmail.com

³. Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran,

powerful tools for spreading the message of constitutionalism, as well as what social, political, cultural and economic developments during this period influenced the production of music. Iranian music evolved with the revolutionary compositions of people like Malek al-Shoarai Bahar. The components of nationalism, liberalism, secularism, socialism, democracy, and parliamentarism, which underlie the socio-political conditions that influence the production of the discourse of constitutional music and the critique of the ruling power, have been considered in Malek al-Shoarai Bahar's poems. The method used in this research is based on description and analysis and the research data has been studied using content and library analysis method.

Keywords: discourse, criticism, constitution, ballad, Malek al-Shoarai Bahar.

<https://dx.doi.org/10.30510/PSI.2022.321264.2847>

جامعه‌شناسی تصانیف عصر مشروطه بر مبنای گفتمان انتقادی (بررسی موردی تصانیف بهار)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۹

حسین آفتابی^۱آرش مشفق^۲ناصر علیزاده^۳

چکیده

انقلاب مشروطه بر اثر تغییراتی که در نظام حکومتی پدید آورد نظام ادبی را نیز دگرگون ساخت هر چند نباید فراموش کرد که این انقلاب هم به نوبه خود محصول روشن‌گری‌های متجلی در شعر و موسیقی این دوره بود که سبب آگاهی هرچه بیشتر مردم به حقوق انسانی خویش گردید. با ورود مضامین سیاسی و اجتماعی در حوزه شعر و موسیقی عصر مشروطه، گفتمان سیاسی-اجتماعی این دوره در بستر موسیقی و ادبیات شکل گرفت. تحلیل گفتمان اساساً خوانشی تفسیری است و تصانیف عصر مشروطه، همانند متونی موقعیت‌مند به عنوان ابژه محصول این دوره، مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. گفتمان موسیقی در تصانیف این دوره به منزله نظام معنایی بر ساخته جامعه، توانسته ارتباطی سامان یافته با جهان معنایی دوره مشروطه

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران، (نویسنده مسئول)

moshfeiaresh@gmail.com

۳. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

داشته باشد. در اینجا، گفتمان، محل برخورد موسیقی و قدرت است. یعنی از قدرت به عنوان سوژه، تمرکززدایی شده و گفتمان به صورت گزاره‌های موسیقی‌یابی سربرآورده است. تصانیف میهنی از جمله ابزارهای قدرتمند برای گسترش پیام مشروطیت بوده هم‌چنان‌که تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در این دوره بر چیستی تولید موسیقی موثر بود. موسیقی ایران با تصانیف انقلابی کسانی چون ملک الشعراى بهار دچار تحوّل شد. مولفه‌های ملی‌گرایی، آزادی‌خواهی، جامعه‌باوری، مردم‌سالاری و پارلمان‌تیسیم که زمینه ساز شرایط اجتماعی-سیاسی موثر در تولید گفتمان موسیقی مشروطه و نقد قدرت حاکم هستند، در تصانیف ملک الشعراى بهار مورد توجه قرار گرفته اند. روش به کار رفته در این پژوهش بر مبنای تفسیری-کیفی می باشد و داده های پژوهش با استفاده از شیوه تحلیل محتوا و کتابخانه ای بررسی گردیده است.

کلید واژه‌ها: گفتمان، انتقاد، مشروطه، تصنیف، ملک الشعراى بهار.

۱- مقدمه و بیان مسئله

اندیشه و بینش شاعران و نویسندگان در طول تاریخ بالاخص در دوران اخیر، اثری مستقیم بر شناخت تحولات و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه دارد و ادبیات هر ملت می‌تواند نماینده‌ی اندیشه‌ی آن ملت می‌باشد. به همین دلیل است که از ادبیات به عنوان کانون تبلور اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی یاد می‌شود و آثار ادبی، معرف اندیشه‌ها، نگرشها و تمایلات و تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می‌باشند. نهضت مشروطه، حادثه اجتماعی و فکری مهمی بود که تأثیر عمیق و گسترده‌ای در شعر و ادبیات ایران گذاشت. شاعران مشروطه‌خواه با توجه به رویدادهای اجتماعی و سیاسی و مشکلات مردم، با سرودن اشعاری با مضامین سیاسی و اجتماعی به یکی از اصلی‌ترین حامیان انقلاب مشروطه مبدل گشتند و آگاهی بخشی به توده‌های مردم، درباره وضعیت موجود را سرلوحه کار خود قرار دادند. شاعران، مضامینی را در شعر فارسی وارد کردند که پیش از این سابقه نداشت. بر همین اساس و تحت تأثیر فضای فکری دوران مشروطه، شاعران این عصر، با سلاح اندیشه و استعداد شعر و شاعری به مبارزه سیاسی پرداختند و با ابلاغ افکار و عقاید سیاسی و ملی، خواستار قانون و مشروطه شدند. به طور کلی اشعار شاعران این دوره که به زبانی ساده و زبان مردم کوچه و بازار نوشته می‌شدند تأثیر بزرگی در بیداری ایرانیان داشت. یکی از ابزارهای قدرتمند برای گسترش پیام مشروطیت در این دوره شعر و به تبع آن، موسیقی بود. با آفرینش تصانیف میهنی که همراه با ورود مضامین سیاسی و اجتماعی به حوزه موسیقی بود گفتمان سیاسی نهضت مشروطه با همراهی و همنوایی آهنگ‌سازانی نظیر ملک الشعرای بهار، در بستر موسیقی، در کسوتی نوین، پدیدار گشت. این گفتمان سیاسی یا به عبارتی «قدرت» در دوره مشروطه، گفتمان دیگری را درحوزه موسیقی متولد ساخت. در کل می‌توان گفت که ادبیات عصر مشروطه، دارای مضامین اجتماعی و سیاسی بوده که، قانون، آزادی، میهن‌دوستی، پیشرفت، دفاع از حق قشر کارگر و انتقاد از حاکمان، از مشخصات بارز ادبیات این دوره به حساب می‌آید. و ملک الشعرای بهار یکی از شاعران و ادیبان این عصر با خلق آثار متنوع در زمینه اجتماع

و سیاست، تلاش خود را برای تولید گفتمان انتقادی این عصر به کار گرفته بود. به هر روی بررسی این دوره از بسیاری جهات حائز اهمیت است. چون هم از نظر اجتماعی و هم از نظر ادبی یکی از پیچ‌های مهم تاریخی و نقطه عطف بسیاری از تحولات اجتماعی و ادبی امروز می‌باشد. موضوعات تازه مانند مبارزه با استبداد و استعمار، برابری خواهی، دموکراسی، آزادی خواهی، ملی‌گرایی، تجدد و ترقی، قانون و ... از گفتمان‌های انتقادی این دوره می‌باشند.

۱-۱- پیشینه تحقیق

در مورد اشعار ملک الشعرای بهار، طیفی از مطالعات بینارشته‌ای و تحلیلی در حوزه‌های تاریخ سیاسی اجتماعی دوره مشروطیت و ادبیات سیاسی انجام یافته است که از آن جمله مقاله «بررسی تطبیقی انتقاد اجتماعی در شعر محمود سامی بارودی و ملک الشعرای بهار» از محسن پیشوایی و همکاران، مجله علمی پژوهشی کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، پاییز ۹۴، شماره ۱۹، صص ۶۸-۴۷ و یا مقاله «تحلیل مفهوم وطن در اشعار ملک الشعرای بهار» از میلاد شمعی و مینو بیطرفان، مجله علمی پژوهشی مطالعات ملی، زمستان ۹۱، شماره ۵۲، صص ۱۳۰-۱۰۷ می‌باشد. اما نوشتار حاضر با نگرشی مبتنی بر گفتمان‌شناسی انتقادی به مطالعه گفتمان‌های غالب در تصانیف ملک الشعرای بهار در دوره مشروطه می‌پردازد و در مورد ظهور این تصانیف در ارتباط با پدیده‌های تاریخی و اجتماعی، توضیحی روش‌مندانه ارائه می‌دهد. پیشینه تحلیل و بررسی گفتمان انتقادی دوره مشروطیت و نسبت آن با گفتمان موسیقی، سابقه‌ای در آثار پژوهشگران نداشته و مطالعه حاضر با رویکردی بدیع، صورت‌بندی تصانیف بهار در دوران مشروطیت و مؤلفه‌های انتقادی مؤثر بر خلق این موسیقی را مورد پرسش و تحلیل قرار می‌دهد.

۱-۲- روش تحقیق

کلیدواژه‌های مستخرج از متن تصانیف، بر مضمون و محتوای هریک از آثار تأکید می‌کنند و نشان می‌دهند که متن تصانیف نشان‌دهنده چه گفتمانی است. نخست به اختصار به شرح گفتمان‌شناسی انتقادی و جریان‌های تاریخی و عوامل مؤثر فرهنگی زمینه‌ساز انقلاب

مشروطیت، وضعیت رسانه‌ها، ادبیات و جریان موسیقی در دوران مشروطه می‌پردازیم و درگام بعدی ویژگی‌های مولفه‌های تبیین شده و ارتباط میان این مؤلفه‌ها و تصانیف، سنجیده خواهد شد.

۲- تعاریف و مبانی نظری

۱-۲- گفتمان‌شناسی

گفتمان‌شناسی در زبان فارسی به تحلیل گفتمان، سخن کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار، ترجمه شده است به عبارت دیگر، در زبان فارسی، معادل با تجزیه و تحلیل گفتمان گرفته شده که این، تعریف کامل و جامعی برای عنوان گفتمان‌شناسی نیست. «در حال حاضر، گفتمان از مراحل تجزیه و تحلیل که سرآغاز هر علم است گذشته و به اندازه کافی به اصول رسیده است و بنابراین می‌توان آن را یک علم به حساب آورد و گفتمان‌شناسی نامید.» (پارمحمدی، ۱۳۹۳: ۸) به طور کلی گفتمان‌شناسی، علم مطالعه نظریه‌های مرتبط با گفتمان است و انواع پژوهش‌های گفتمانی را در برمی‌گیرد. «پژوهش‌های گفتمانی، خود دربرگیرنده شاخه‌های متنوعی است که عبارتند از: گفتمان‌شناسی مکالمه، گفتمان‌شناسی روایت، گفتمان‌شناسی اجتماعی، گفتمان‌شناسی روان‌شناختی، گفتمان‌شناسی مردم‌نگاری، گفتمان‌شناسی انتقادی.» (فاضلی، ۱۳۸۳: ۱۱۵)

۲-۲- گفتمان‌شناسی انتقادی

گفتمان‌شناسی انتقادی نوعی پژوهش گفتمانی است که بیش‌ترین وجه جامعه‌شناختی را دارد. همچنان که از لفظ «انتقادی» برمی‌آید، در درجه اول به مسأله سوء استفاده از قدرت، سلطه، نابرابری و بازتولید و مقاومت در برابر قدرت در متون می‌پردازد. این دیدگاه با گرایشی سازه‌گرایانه، به ساخته شدن هویت‌ها در چارچوب زبان، کشف خصایص ایدئولوژیک و سیاسی کاربست‌های زبان و بازتولید روابط قدرت، توجه دارد. این گرایش مطالعاتی، انتقادی‌ترین شاخه از بررسی‌های گفتمانی واژه «انتقادی» دال بر همین حساسیت به مقوله قدرت و سلطه در «گفتمان‌شناسی انتقادی» است. از آن جا که به گفته مک‌دانل، «وظیفه

گفتمان، در بازتولید مناسبات سلطه اجتماعی از طریق کنترل معنا قرار دارد» (Hymes, 2005 : 52) از همین رو برخی از زبان‌شناسان انتقادی، وظیفه اصلی تحلیل گفتمان را پیدایش و گسترش آگاهی انتقادی نسبت به زبان به مثابه عاملی برای سلطه می‌دانند. (ر.ک: فرکلاف، ۱۳۸۹: ۶۱) گفتمان‌شناسی انتقادی، که از لحاظ فلسفی متأثر از نظریات فوکو، فروید و مارکس است، در نظر دارد نگرش مخاطب را درباره زبان از صورت‌گرایی به تأثیر مسائل اجتماعی تغییر دهد؛ چنانکه زبان‌شناس خود را به عنصری مسئول در برابر مسائل اجتماعی بداند (ر.ک: فرهنگ و بانگ آور، ۱۳۹۴: ۱۳۶)

۲-۳-مشروطه

نهضت مشروطه، آغاز حرکت روشن‌فکران و گام برداشتن در راستای تغییر و تحولات، در جامعه ایران برای دستیابی به آزادی و حکومت قانون و مشروط ساختن قدرت حاکمیت بود. این نهضت با امضا فرمان مشروطه توسط مظفرالدین شاه قاجار در ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ آغاز و تا دوره محمدعلی شاه قاجار ادامه یافت و منجر به تشکیل مجلس شورای ملی و تصویب نخستین قانون اساسی کشور ایران گردید. سپس جنبش مشروطه‌خواهی تا تثبیت حکومت قانون و رفع مشکلات آن، تا چند سال پس از فرمان مشروطه نیز ادامه پیدا کرد.

۲-۴-تصنیف

تصنیف در اصطلاح کلامی موزون است که همراه با آهنگ خوانده می‌شود (ر.ک: همایی، ۱۳۳۹: ۸۲) وزن شعر تصنیف، متنوع و مصراع‌های آن نیز نامساوی هستند. (ر.ک: مشحون، ۱۳۸۸: ۴۶۷) آهنگ سازی برای شعر از دیرباز در ایران وجود داشته است کلمه پارسی «گوسانان» که معادل واژه «خنیاگر» می‌باشد نشان از رواج سنت خنیاگری در دوران هخامنشیان و ساسانیان دارد. «گوسانان، همان راویان شعر، موسیقی، افسانه و اسطورهای قوم خویش بودند و افسانه‌ها و اسطوره‌های کهن از طریق آنان جمع‌آوری و برای اولین بار کتابت شد.» (بویس و فارمر، ۱۳۶۸، ۴۳) «این سنت در فرهنگ ایرانی تا دوره‌های معاصر نیز

ادامه پیدا کرد. عارف قزوینی، علی اکبر شیدا از آخرین بازماندگان این هنرمندان بودند.» (لطفی، ۱۳۷۲، ۲۰۳)

۳- جریانهای سیاسی و ادبی در آستانه انقلاب مشروطه

انقلاب مشروطه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین رخداد‌های تاریخ ایران، نقطه عطفی در زندگی سیاسی و اجتماعی ایرانیان به شمار می‌آید. «جامعه ایران در آستانه انقلاب مشروطیت، هنوز تمامی خصوصیات جامعه‌شناختی یک جامعه سنتی را حفظ کرده بود. شکل حاکمیت سیاسی، استبداد کهنسال ایرانی بود که به حق می‌توان آن را نمونه متعارف استبداد شرقی دانست. تاریخ ما به تحقیق فاقد هرگونه سابقه‌ای از مشارکت مردم در امر حکومت و اداره جامعه بود.» (ادیب الممالک، ۱۳۱۲: ۵۲۰) «طی قرن نوزدهم میلادی در اثر یک سلسله تحولات اقتصادی-سیاسی و فرهنگی، رفته رفته شکاف‌هایی در جامعه سنتی ایران پدیدار گشت و حقانیت رژیم سیاسی مبتنی بر استبداد سلطنتی مورد تردید قرار گرفت.» (خارابی، ۱۳۷۶: ۱۱۸) اتکاء نهضت مشروطیت بر نظریه‌ها و اندیشه‌های نو و بدیع روشن‌فکران بود. این قشر از جامعه با آگاهی از تحولات جهان و مسائل روز غرب، نیازهای جامعه ایران را دریافتند و همین باعث شد تا گام‌های جدیدی برای تغییر و تحول جامعه بردارند؛ در نتیجه جامعه ساکن ایران با ورود این‌چنین تفکراتی به تکاپو افتاد. تا قبل از نهضت مشروطه زمینه‌ای برای ظهور تشکل‌های احزاب سیاسی وجود نداشت. در این دوره بود که «دموکراسی و مشروطیت واقعی در اذهان و افکار روشن‌فکران راه یافته بود.» (راوندی، ۱۳۷۴: ۵۰۵) احزاب سیاسی گسترش یافته و انجمن‌هایی سری در تهران به فعالیت پرداختند. شعر و ادبیات ایران نیز تحت تأثیر عمیقی از نهضت فکری و اجتماعی مشروطه قرار گرفت. آشوری معتقد است که «وارد شدن به دوره مشروطیت، دگرگونی زبان را نیز ناگزیر کرد.» (آشوری، ۱۳۹۲: ۲۸) «زبان شعر دوره مشروطیت آمیزه‌ای ناگزیر و ناموزون از کلمات کهن و جدید بود.» (آژند، ۱۳۸۴: ۷۷) به تعبیر خاتمی «در این شیوه‌ی نو در ادبیات، شاعران مشروطه بر عنصر تاریخ و فرهنگ ایران بیش از زبان، تکیه کرده‌اند.» (خاتمی، ۱۳۹۴: ۳۹) این ادبیات آرمانی و تجددطلبانه، همان رویارویی

سنت با مدرن است. گفتمان عصر مشروطه گفتمانی کاملاً متفاوت و انتقادی بود که به تعبیر امینی «گفتمان مشروطه عرصه را برای عمومی کردن ادبیات آماده کرد و آن را از حالت طبقاتی و درباری خارج کرد.» (امینی، ۱۳۹۰: ۲۲۶) پس از مشروطه ادبیات به سمت متعهد شدن پیش رفت، تعهدی که از نظام سیاسی و اجتماعی مشروطه حمایت می‌کرد. دکتر اسلامی ندوشن در این مورد معتقد است که «در هیچ دوره‌ای از تاریخ ادبیات پارسی، شعر تا این حد با سیاست آمیخته نشده بود و بر مأموریت خود برای ایجاد تحول در نظام اجتماعی آگاهی نیافته بود.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۵۶: ۲۱۴) اهمیت نهضت مشروطیت در تولد دوباره شعر این دوره و تأثیرگذاری بر آن بسیار چشمگیر است. «ورود برخی مفاهیم سیاسی همچون ایران، ملت، وطن‌فروشی، مشروطه، استبداد و ... در شعر، نشان از پیوستگی شاعر، شعر و مردم دارد.» (کریمی حکاک، ۱۳۸۴: ۱۸۴) از آغاز نهضت مشروطیت، سروده‌های ملی نیز به عنوان ابزاری نیرومند برای تحریک توده‌های مردم مؤثر بودند. ادبیات این دوران، فرزند زمانه پر تلاطم خویش بود و عمیقاً با افکار و جامعه مردم آن زمان گره خورده بود. مفاهیمی همچون حقوق مردم، استبدادستیزی، ضرورت قانون برای اداره جامعه، آزادی و استقلال کشور از مداخله بیگانگان، میهن دوستی، اعتلای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه و بسیاری مفاهیم دیگر برای اولین بار وارد فضای شعر و ادبیات شد. تصنیف و ترانه نیز به عنوان یکی از گونه‌های ادبی توانست متفاوت با آنچه در گذشته وجود داشت متحول گشته و پیام مشروطیت را به همراه شعر و موسیقی در جامعه انتشار دهد.

۴- جریان موسیقی پیش از مشروطه

تصنیف به شکل و محتوای امروزی را به طور یقین باید از دستاوردهای انقلاب مشروطه دانست. یکی از دلایل انقلاب مشروطیت، آشنایی ایرانیان با ایده «آزادی» به مفهوم اروپایی آن بود که به موجب آن، ملت ایران برای دستیابی به یک حکومت قانون و پایان دادن به حکومت استبداد، تلاش‌های فراوانی کردند. اما تصنیف یکی از روش‌های مطلوب و یک قالب کاربردی برای انتقال مفاهیم نو به عامه مردم بود که از نظر ساختاری و زبانی توانست نقش

بسزایی در پیشبرد این تغییرات و تحولات ایفا کند. «نوآوری امیرکبیر در تأسیس مدرسه دارالفنون در زمان ناصرالدین شاه و برپایی شعبه موزیک نظام دارالفنون به عنوان یکی از نهادهای مهم آموزش موسیقی دوران جدید، نقطه عطفی در تاریخ موسیقی دوران قاجار است.» (آدمیت، ۱۳۴۵: ۳۵۳-۳۵۶) تصانیف این دوران دیگر همانند گذشته برای بزم و خوشی سروده نمی شد بلکه با بیان دردها و سختی های مردم سعی در آگاهی و بیدار ساختن آنان داشتند. تغییرات چشمگیری در اصطلاحات و شیوه موسیقی نظامی آن دوران به دلیل آمدن ژان لومر به ایران و نگارش کتاب «تئوری موسیقی» و همچنین تأسیس «شعبه موسیقی نظامی» پدیدار گشت. (ر.ک: راهگانی، ۱۳۷۷: ۳۷۴) «سیلولومر حدود هفده سال در تهران اقامت گزید و ریاست کل موزیک نظام ایران را بر عهده گرفت.» (آدووی یل، ۱۳۹۰: ۲۵۴) با این اوصاف آثار موسیقی‌یابی ایران به شیوه غربی تغییر نگارش یافت و تحولی در شیوه ثبت موسیقی ایجاد گردید. موسیقی نظامی بستری گشت برای آموزش و گسترش موسیقی کلاسیک غربی، لکن رفته رفته موسیقی ایرانی راهی مستقل برای خود در پیش گرفت «تشکیل دارالفنون و ارکسترهای نظامی و غیر نظامی در دوران قاجار، معلول شرایطی تاریخی است.» (درویشی، ۱۳۹۴: ۲۹) عواملی همچون تأسیس مدرسه عالی موسیقی و کلوپ موزیکال به همکاری کلنل، سبب گسترش موسیقی علمی ایران در دوره مشروطه بود. «چهار ارکستر منظم در تهران تشکیل شدند که به ترتیب عبارت از: ارکستر نظام، مدرسه دارالفنون، ارکستر سلطنتی و ارکستر مدرسه عالی موسیقی.» (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۳۵) بدین ترتیب مسائل اجتماعی و سیاسی پیرامون نهضت مشروطیت سبب رونق ادبیات شفاهی در بین مردم شد. کاربرد زبان عامیانه از ویژگی‌های ترانه‌ها و تصنیف‌های این دوره است. شاعرانی چون عارف قزوینی، محمدتقی بهار و اشرف الدین گیلانی توانستند با خارج کردن ترانه‌های عامیانه از حالت اولیه، آنها را اجتماعی تر کنند. اغلب تصنیف‌هایی که در ایام بیداری مشروطه ساخته می شدند کاملاً سیاسی بودند و و از لحاظ تند و تیزی، کم از شبنامه‌ها نبودند ولی به دلیل منظوم بودنشان بیشتر و بهتر در زبان مردم جاری می شدند و در نتیجه تأثیرشان از شب‌نامه بیشتر بود.

۵- مولفه‌های گفتمانی دوره مشروطه

افکار جدید سیاسی _ اجتماعی و احساسات ملی‌گرایی بعد از مرگ ناصرالدین شاه تا اعلام مشروطیت توسط مظفرالدین شاه، توانست در کشور مجال رشد یابد. عواملی چون توسعه مدارس نوین، اعزام دانشجویان به خارج، چاپ روزنامه‌ها، انتشار شب‌نامه‌ها، ترجمه آثار لیبرالیست‌های اروپایی و همچنین انتشار آثار کسانی چون میرزا ملکم خان، مستشارالدوله و طالبوف، دلیلی بر مقایسه جامعه سنتی ایران با غرب و افزایش نارضایتی‌ها شد؛ در نتیجه ایده‌های آزادی‌خواهی و ملی‌گرایی مجال رشد پیدا کردند. مولفه‌های گفتمانی دوره مشروطیت بر مبنای مؤلفه‌های سیاسی و اجتماعی حاکم بر این دوره بود که ادبیات و موسیقی نیز از بستر آن بیرون آمده بود و مجموعه‌ای از مفاهیم و مناسبات سیاسی- اجتماعی این دوران، محور اصلی گفتمان مشروطیت را بنا نهاد. بنابراین گفتمان ایجاد شده در این دوره، سازگار با آن است در نتیجه بدیهی است که با دوره‌های پیش و پس خود متفاوت خواهد بود. مولفه‌های این گفتمان عبارتند از: آزادی‌خواهی، ملی‌گرایی، جامعه‌باوری، مردم‌سالاری و پارلمانتیسم. این مولفه‌ها، سامان‌دهنده راهبردهای گفتمانی دوره مشروطه بر مبنای مجموعه‌ای از مفاهیم هستند.

۵-۱- آزادی‌خواهی (لیبرالیسم):

«لیبرالیسم از تلاقی روشنگری، انقلاب‌های صنعتی و سیاسی قرن ۱۷ و ۱۸ بوجود آمد و به مجموعه روش‌ها، سیاست‌ها و ایدئولوژی‌هایی که هدف‌شان فراهم کردن آزادی بیشتر برای فرد است اطلاق می‌شود.» (آشوری، ۱۳۹۴، ۲۸۰) از معانی و ویژگی‌های رایج این واژه، «گسستن از قید تکلیف» است. (Smith & Lockwood, 1976: 400) لیبرالیسم در قاموس سیاسی، نظریه‌ای است که خواهان حفظ درجاتی از آزادی در برابر هر نهادی است. «فردگرایی، نگرش دنیوی، کثرت‌گرایی، بدبینی به قدرت، نفی پدرسالاری، تفکیک قوا، نمودهای ساختاری (حکومت مشروطه، حاکمیت قانون، تفکیک قوا) جزو اصول بنیادین لیبرالیسم هستند.» (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۱/۱) و آن را تنها راه مهار قدرت سیاسی، تأمین مشارکت اجتماعی و تضمین احساس مسئولیت حکام در مقابل مردم می‌شمارند. آنتونی آربلاستر مؤلف

کتاب «ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب» معتقد است ارائه تعریف دقیق و جامع از لیبرالیسم به عنوان یک مکتب سیاسی و اجتماعی کاری بس دشوار، بلکه ناممکن است؛ اما با این حال، تعریفهای متعددی از سوی نظریه پردازان غربی بر این موضوع ارائه شده است. (ر.ک: آربلاستر، ۱۳۷۷: ۱۴) «لیبرالیسم را می توان به طور دقیق، نگرشی به زندگی و مسائل آن وصف کرد که تأکیدش بر ارزشهایی همچون آزادی برای افراد، اقلیتها و ملتهاست.» (شاپیرو، ۱۳۸۰: ۳) به طور کلی لیبرالیسم در ایران به معنای آزادی خواهی رواج یافته است و پیشینه چندانی ندارد. کلمه آزادی در شعر کهن فارسی نیز به کار رفته است ولیکن مفهوم غربی این کلمه که همان حکومت قانون است در دوران مشروطیت و در نتیجه آشنایی شاعران و ادیبان ایران با غرب، در افکار و اندیشه آنان بروز کرد. میرزا فتحعلی آخوندزاده به عنوان روشن فکر و مدافع آزادی و دموکراسی معتقد است که لیبرالیسم به دست نمی آید مگر با کناره گیری از عقاید باطل. (ر.ک: آدمیت، ۱۳۴۵: ۱۴۸)

۵-۲- ملی گرایی (ناسیونالیسم):

مفهوم لغوی ناسیونالیسم (nationalism) عبارتنداز: «ملی گرایی، وطن پرستی و استقلال طلبی» (نوروزی خیابانی، ۱۳۷۱، ۳۱۶) به عقیده بسیاری از اندیشمندان، ناسیونالیسم به مثابه یک گفتمان، از اروپای غربی آغاز شده است. «در این آموزه، هویت ملی بر تمامی هویت های فرا ملی، قومی، زبانی، مذهبی و محلی تقدم داده می شود و تنها حاکمیت مورد قبول، حاکمیت ملی است.» (سردارنیا، ۱۳۹۲: ۲۵) «بر اساس نظر بسیاری از صاحب نظران، منشأ پیدایش ناسیونالیسم، انقلاب کبیر فرانسه می باشد.» (کاتم، ۱۳۷۸: ۳۳) «ملی گرایی در گذار حکومت های سنتی به دولت ملی مدرن، سازوکار یک پارچه و با ثباتی در مقابل سازوکارهای پیشین که اغلب مبتنی بر مذهب، نظم امپراتوری و نظم قبیله ای بودند، پدید آورد.» (قوام و قیصری، ۱۳۹۱: ۱۳-۱۴) ریشه ی ناسیونالیسم ایرانی را باید در قرن نوزدهم و هنگام انحطاط ایران بر اثر فشارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی خارجی، جستجو کرد که از عواقب آن ایجاد حس حقارت بر ایرانیان بوده است. «وضعیت فرودست و محقر ایران و مقایسه آن با دوران اقتدار کشور، در گذشته، نوعی احساس غربت به نخبگان ایرانی داد که بازتاب آن را در

نوشته‌های شعرا، نویسندگان و نخبگان سیاسی و فکری ایران در دوران قبل و بعد از مشروطه می‌توان دید.» (احمدی، ۱۳۹۰، ۱۴۵) دست یافتن به هویت مستقل ایرانی از مهمترین خواسته‌های نهضت مشروطه بود. «ایده آگاهانه انقلاب، توأمان با اندیشه محرک وطن پرستی، ثابت کرد که می‌تواند در تشکیل هویت ملی ایران، در دهه‌های آتی نقش سرنوشت‌سازی را ایفا کند.» (امانت، ۱۳۸۲: ۵۱)

۳-۵- جامعه‌باوری (سوسیالیسم):

«پیدایش سوسیالیسم در اواخر دهه ۱۸۲۰ در کشورهای فرانسه و انگلستان بوده است.» (اکلشال، ۱۳۸۵: ۱۳۱) این مکتب فکری، در انتقاد از نظام سرمایه داری و بر مبنای برابری‌خواهی شکل گرفت. از دیدگاه این مکتب در نظام سرمایه داری، ثروت و قدرت به طور ناعادلانه و نابرابر در دست اقلیت قدرتمند متمرکز است. «در نظریه‌های سوسیالیستی، برتری سود همگانی بر سود فردی مطرح است.» (آشوری، ۱۳۹۴: ۲۰۴-۲۰۵) آموزه‌های سوسیالیستی مخالف فردیت انسان و موافق انسان به منزله عضوی از پیکره اجتماعی است. ر.ک: علوی، ۱۳۷۴، ۵۲) اندیشه‌های سوسیالیستی در اواخر قرن نوزدهم و قبل از انقلاب مشروطه در ایران نفوذ پیدا کرد. «میرزاآقاخان کرمانی را پیشرو فکر سوسیالیسم در ایران دانسته‌اند.» (آدمیت، ۱۳۵۵، ۲۷۰) جنبش‌های سوسیال دموکرات نیز یکی از مؤثرترین عوامل نفوذ این مکتب در ایران است. «گروه سوسیال دموکرات تبریز نقش مهمی را در طول تاریخ مشروطه بازی کرد.» (ورهام، ۱۳۶۹: ۳۲۳)

۴-۵- مردم‌سالاری (دموکراتیسم):

«دموکراسی یک واژه یونانی تشکیل شده از دو واژه کوچک دیموس و کراتوس می‌باشد که دیموس به معنای کلیه شهروندان و کراتوس به معنای قدرت و هم به معنای قانون است.» (آربلاستر، ۱۳۸۵، ۲۹) «دموکراسی، به معنای عام آن برابری فرصت‌ها برای افراد یک جامعه به منظور برخورداری از آزادیها و ارزشهای اجتماعی است. و در معنای محدودتر، شرکت آزادانه افراد در گرفتن تصمیم‌هایی است که در زندگی فرد و جمع مؤثر

است.» (آشوری، ۱۳۹۴، ۱۸۷) از دیدگاه موافقان دموکراسی، این نوع حکومت، بهترین نوع برای مبارزه با تمرکز قدرت است و برترین راه برای رسیدن به پیشرفت و توسعه می باشد. آشنایی ایرانیان با مجلس و دموکراسی به اوایل دوران مشروطیت برمی گردد و تشکیل حزب دموکرات نیز از دستاوردهای آن می باشد که بر پایه مساوات و حقوق برابر، متکی بود. «هدف فرقه دموکرات، حفاظت از اصول مشروطه عامه مبنی بر انتخاب عمومی بود.» (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۵۳) «منظور برخی از واژه تجدد، جامعه‌ای آزاد و دمکراتیک بود» (میلانی، ۱۳۸۷: ۱۲) جریان روشنفکر سکولار، نماینده تعقل سیاسی غربی و خواهان تغییر اصول سیاست و مروج نظام پارلمانی بودند. تکیه گاه فکری این گروه در درجه اول اندیشه ی انقلاب بزرگ فرانسه بود. (آدمیت، ۱۳۵۴، ۳) بنابراین این طبقه از غرب و مدرنیته غرب و آرمان های دموکراتیک برای ترسیم بنای جدید سیاسی و اجتماعی استفاده می کردند. (رک: سردارنیا، محسنی، ۱۳۹۶، ۹۹)

۵-۵-۵- اصول حکومت پارلمانی (پارلمانتیسم):

«هیأتی را که در هر کشور مأمور وضع و تصویب قوانین و نظارت بر اجرای قوانین است پارلمان گویند. پارلمان‌ها معمولاً با رای مستقیم، مخفی و عمومی مردم انتخاب می شوند ... وجود پارلمان در هر کشور، سمبول حاکمیت مردم (دموکراسی) در آن کشور است.» (آشوری، ۱۳۹۴، ۱۴۱) اندیشه پارلمانتیسم در ایران ابتدا از طرف افرادی که برای تحصیل و یا سفر به خارج رفته بودند مطرح شد این اشخاص با مشاهده نظام‌های پارلمانی غرب و مقایسه آنها با نظام حاکم در ایران، رفته رفته به فکر تغییر در نظام استبدادی ایران و جایگزینی آن با نظام پارلمانی شدند. سفرنامه‌هایی که در آن دوران نوشته می شد مانند سفرنامه های مصطفی افشار، میرزا صالح شیرازی و غیره، چنین هدفی را دنبال می کردند. تبیین دموکراسی پارلمانی در ایران چنان رونق گرفت که تمامی روشن‌فکران و مشروطه خواهان، مدافع دموکراسی و مشروطه پارلمانی شدند. «پایه گذاری اولین مجلس، در پی احیای دوران تغییر در جامعه ایرانی بود. عوامل این تغییر به چارچوب سیاسی نوینی امیدوار بودند که ملت ایرانی را به سوی حاکمیت قانون، سوق دهد» (Jahanbegloo, 2013: 34)

۶- بحث و بررسی انتقادی تصانیف

با پیش آمدن نهضت مشروطه در دوران قاجار، موسیقی‌های گوناگونی با کارکردهای متفاوت به حیات اجتماعی خویش ادامه می‌دادند. لکن تأثیر تصانیف ملی این دوره به دلیل مبارزه با قدرت و نظام سلطه بسیار قوی‌تر بوده و در تثبیت مشروطیت و تقویت آزادی‌خواهی نقش مهمی را ایفا می‌کرد. ملک الشعراى بهار با تصانیف خود که درون‌مایه سیاسی- اجتماعی داشتند توانست موسیقی دوران قاجار را که مختص دربار بود از رونق انداخته تا این تصانیف نماینده موسیقی مشروطه باشند و معنای خود را در ارتباط با جامعه و مردم پیدا کنند؛ که در ادامه به بحث و بررسی و گفتمان‌شناسی این تصانیف می‌پردازیم.

ای چرخ

آن دشت که بودست پراز لاله و ریحان / امروز چرا گشت نشیمنگه زاغان / آن تخت که بُد
جای کیومرث و فریدون / مظموع عدو گشت و خراب از ره کین شد / یاران ز حمیت به
سوی مرگ دویدند / در راه شرف از سر و جان دست کشیدند / در خون خود اندر طلب فخر
طپیدند / گلرنگ ز خون همه سیمای زمین شد / امروز ز بی حسی ما کار خرابست / بنیاد کهن
سال وطن بر سر آبست / یک روز وطن رشک گلستان جنان بود / اقبال من از طالع مشروطه
جوان بود / خصمان ز دو جانب سوی ما رخس دوانند / بر مرگ وطن، ناخلفان فاتحه خوانند
/ اعدای جفاکار چرا سخت کمانند / بیچاره وطن خسته و آواره و فرد است / ای حزب
دموکرات کنون وقت نبرد است (بهار، ۱۳۸۸: ۱۱۶۲-۱۱۶۰)

این تصنیف که جزو تصنیف‌های معروف بهار می‌باشد با تأکید بر عبارات، اشارات و مضامین ملی ادبی ساخته شده است. واژه به کار رفته مشروطه و حزب دموکرات در این تصنیف اشاره به پارلمانتیسم، دموکراتیسم و آزادی‌خواهی دارد. ملک الشعراى بهار، مشروطه و برپایی مجلس قانون‌گذار را مهمترین عامل کسب آزادی و مردم‌سالاری می‌دانست از این رو واژه مشروطه همانند دو واژه وطن و آزادی از مهمترین ارکان شعر او به شمار می‌آید.

واژه‌های وطن و خصمان بر ملی‌گرایی اشاره دارند. همچنین جامعه‌باوری نیز در معنای برخی واژه‌ها، مستتر است.

مرغ سحر

مرغ سحر ناله سر کن / داغ مرا تازه‌تر کن / زآه شرربار این قفس را / برشکن و زیر و زیر کن / بلبل پر بسته! ز کنج قفس درآ / نغمه آزادی نوع بشر سرا / وز نفسی عرصه این خاک توده را / پر شرر کن / ظلم ظالم، جور صیاد / آشیانم داده بر باد / راستی و مهر و محبت فسانه شد / قول و شرافت همگی از میانه شد / از پی دزدی وطن و دین بهانه شد / ظلم مالک، جور ارباب / زارع از غم گشته بی‌تاب / ساغر اغنیا پر می ناب / جام ما پر ز خون جگر شد / ای دل تنگ! ناله سر کن / از قوی‌دستان حذر کن / از مساوات صرف نظر کن (بهار، ۱۳۸: ۱۱۶۶)

تصنیف مرغ سحر از معروفترین تصانیف بهار است که بر فقدان آزادی و اختلاف طبقاتی، انتقادی صریح دارد. به تعبیر آقای نواب صفا در کتاب «قصه شمع» بهار این تصنیف را در هنگام به توپ بستن مجلس شورای ملی به دستور محمدعلی‌شاه سروده است. (ر.ک: نواب صفا، ۱۳۸۸: ۳۰۱) تصنیف مرغ سحر به دلیل درون‌مایه سیاسی و اجتماعی اغلب بر زبان مردم جامعه جاری بوده است.

آزادی‌خواهی، ملی‌گرایی، مردم‌سالاری و جامعه‌باوری مضامینی هستند که در واژه‌های ظلم، اغنیا، وطن، مساوات و دین، بر تصنیف سامان می‌بخشند.

ز من نگارم...

ز من نگارم خبر ندارد / به حال زارم نظر ندارد / همه سیاهی همه تباهی / مگر شب ما سحر ندارد / بهار مضطر منال دیگر / که آه و زاری اثر ندارد / جز انتظار و جز استقامت / وطن علاج دگر ندارد / ز هر دو سر، بر سرش بکوبند / کسی که تیغ دو سر ندارد (بهار، ۱۳۸۸: ۱۱۷۶-۱۱۷۵)

بهار معمولاً در تصنیف های خود، عشق و سیاست را به هم درآمیخته است. در این تصنیف نیز وطن را جانشین معشوق کرده و عشق به وطن را نماد عشقی نامتناهی می داند و خود نیز همان عاشقی است که برای معشوق وطن، ناله و فریاد برمی آورد. ملی‌گرایی و آزادی‌خواهی با واژه هایی نظیر استقامت، وطن، شب و سحر از مؤلفه هایی- ست که به این تصنیف صورت بخشیده است.

ای شهسواران

ای شهسواران وطن یزدان به ما یار آمده / جیش صمصام رسید ایل ضرغام رسید / ای دل افکار وطن مادر زار وطن / خوش‌خبر باش که غم جمله به اتمام رسید / یکسره آزاد شدی ای وطن / از ستم آزاد شدی ای وطن / شیر گیلان یله شد جیش ما یک دله شد / گرگ خونخوار وطن باز اسیر تله شد / مجلس مشروطه به پا شد دگر / سلطنت‌آباد فنا شد دگر (بهار، ۱۳۸۸، ۱۱۶۳)

بهار این تصنیف را در اول مشروطیت پس از فتح تهران به دست مجاهدین سروده است. در معنای کلمه مشروطه، مولفه های آزادی خواهی، پارلمانتیسم و مردم‌سالاری مستتر است. واژه های وطن، آزاد، سلطنت و ستم نشان از ملی‌گرایی و جامعه‌باوری دارند.

سرود ملی

ایران - هنگام کار است / بخت در انتظار است / از جور فراوان هر گوشه شوری بیاست / خون‌ها شده پامال و آزدایش خونبهاست / حب وطن نگر که چه با ما خواهد کرد / آه چه محنت‌ها که کشیدی ایران / ایران، تا ز دل برکشم نعره آزادی / خیزکه روز فتح و ظفر شد - ایران / خیزکه روزگار دگر شد وقت هنر شد - ایران / جز همت و غیرت، درمان دردی کجا؟ / جز فخر و شهامت، دشمن نوردی کجا / عز و شرف به همت والا باید خواست / به تقلا باید خواست / فتح و ظفر به دست توانا باید خواست (بهار، ۱۳۸۸: ۱۱۶۵)

تصنیف یادشده در جریان جنگ جهانی اول و هنگامی که کشور ایران از هرطرف به وسیله‌ی لشکریان روسی و عثمانی احاطه شده بود سروده شده است. درد و حسرت شاعر با

دیدن ستم‌ها و محنت‌هایی که بر وطن می‌رود به خوبی قابل مشاهده است. ملی‌گرایی به عنوان اصل ملیت از ترکیب سه عنصر حق آزادی ملل، حق استقلال ملل و حق حاکمیت آنها بر سرنوشت خود، شکل می‌گیرد. در این نگاه، ملی‌گرایی عبارت است از نهضتی که از آزادی و استقلال یک ملت در برابر رژیم استبدادی و تجاوز خارجی حمایت می‌کند. (ر.ک: فرهیخته، ۱۳۷۷: ۷۱۳) «این نوع ناسیونالیسم بیشتر با ارزش‌های آزادی‌بخش همراه بوده که هدف عمده آن، مبارزه با استعمار و امپریالیسم و ایجاد حکومت‌های ملی مستقل بود. حرکت‌های ناسیونالیسم در جهان سوم را می‌توان از این نوع به حساب آورد» (سیاوشی، ۱۳۸۰: ۱۴)

واژه‌های ایران، خون، نعره آزادی، حب وطن، فتح و ظفر، دشمن و عزّ و شرف، مؤید مؤلفه‌های ملی‌گرایی، مردم‌سالاری، جامعه‌باوری، آزادی‌خواهی و برابری خواهی می‌باشند.

عروس گل

عروس گل از باد صبا / شده در چمن چهره گشا / الا ای صنم بهر خدا / ز پرده تو رخ بدرکن / پرده برافکن تا
شود پرده‌نشین روی گل / آه نهان چرا چهره دلجوی تو / وای گشاده به، روی تو هم موی تو
دیده کسی هرگز بود حور و پری در حجاب / دیده کسی هرگز بود شمس و قمر با نقاب /
ای صنم / ز پیچه زدن حذرکن (بهار، ۱۳۸۸: ۱۱۶۷)

این تصنیف در مخالفت با حجاب زنان سروده شده است. بهار در اینجا چهره زن را به گل تشبیه کرده و در زیر نقاب و پیچه بودن آن را مغایر هم دانسته است. آزادی‌خواهی و جامعه‌باوری از مضامین غالب در گفت‌وگو این تصنیف هستند.

رقیب می‌رسد

رقیب می‌رسد از گرد راه چاره کنید / به روی قبضه شمشیر استخاره کنید / درین رمق رقم
قتل خویش را یاران / ز دست خصم بگیریید و پاره پاره کنید / درین قمارکه یاران زدند بر سر

جان / سفاهت است که با عقل استشاره کنید / بر غم سردی حاسد ز شعر گرم بهار / تنور
خویش و دل خصم پر شراره کنید (بهار، ۱۳۸۸: ۱۱۶۸)

این تصنیف در جریان حمله روس تزاری به پایتخت ساخته شده است. در معانی واژه های
رقیب، قبضه شمشیر و خصم می توان ملی‌گرایی و آزادی‌خواهی را مشاهده کرد.

گر رقیب آید

گر رقیب آید بر دلبر من / جوشد از غیرت دل اندر بر من / مکر و شیادی بود لشکر او /
عشق و آزادی بود لشکر من / من بی‌پروا را چه هراس از دشمن / خدا خدا دهد بر دشمن
ظفری ما را / یا که من خون او رنگ کنم بستر او / یاکه او از خون من رنگ کند پیکر من /
دست از این دسته شمشیر که در دست من است / نکشم تا نکشد دست، رقیب از سر من / ای
رقیبان وطن به کجا، به کجا خانه ماست! / برو ای ابله که ما تن ندهیم / با رقیبان وطن از من
دل خون گویند / دلبرم را به شما وانگذارد، دل من (بهار، ۱۳۸۸: ۱۱۶۸)

در این تصنیف که اواخر جنگ جهانی اول، هنگام حمله روس تزاری به پایتخت سروده
شده است، واژه دلبر، نمادی از وطن، کلمه رقیب، نماد دشمنان بیگانه و کلمه عاشق، نمادی از
شاعر است و عشق بی انتها همان حب وطن می باشد. در معانی واژه های رقیب، عشق،
آزادی، دشمن، ظفر، خون، شمشیر، وطن، صیاد و کافر، مولفه های آزادی‌خواهی، ملی‌گرایی،
جامعه باوری و مردم سالاری مشخص است.

در مرگ پروانه

پروانه ای موجود ظریف / چون شد که از دشمن تو پروا نکنی / جز جانب آتش تو پروا
نکنی / باید دلا تقلید پروانه کنی / جان را فدای روی جانانه کنی / مُردی توای پروانه و مُرد
هنر / موسیقی و حسن و کمالات دگر / ای شمع خائن، شو ز غم‌زیر و زبر / پروانه را کشتی و
حاشا نکنی / آن خوشنوا مرغ سحری / رنجیده از خوی بشری / شد، تا به فردوس برین ناله
کند / گل‌بانگ آزادی در آن صفحه، در آن صفحه زند / چشم قضا زد ره به شیرین سخنش /
کنج قفس را کرد بیت‌الجزنش / غافل که این بلبل قفس می‌شکند (بهار، ۱۳۸۸: ۱۱۷۰)

در این تصنیف، بهار مضامین شاعرانه ای با الهام از نام پروانه و سوختن او به پای شمع ساخته و همچنین نام یکی از آوازه‌های او به نام شور شهناز را با ظرافتی تمام در تصنیف خود تضمین کرده است. آزادی‌خواهی و ملی‌گرایی در معانی واژه های دشمن، آتش، خائن، آزادی و قفس از مضامین غالب در گفتمان این تصنیف به شمار می‌روند.

باد خزان

باد خزان وزان شد / چهره گل خزان شد / طلایه لشکر خزان از دو طرف عیان شد / چو ابر بهمن ز چشم من چشمه خون روان شد / خدا خدا داد ز دست استاد / که بسته رخ شاهد مه‌لقا را / فغان و فریاد ز جور گردون / که داده فتوای فنای ما را / کشور خراب، فغان و زاری / پیچه و نقاب سیاه و تاری / وه چه کنم از غم بیقراری / تا به کی کشیم ذلت و بیماری / بیا مه من رویم از ورطه جانسپاری (بهار، ۱۳۸۸: ۱۱۷۱)

تصنیف فوق دارای سه بند است که در بندهای دوم و سوم آن به مسائل اجتماعی اشاره شده است. در این تصنیف شاعر با اشاره به ویرانی باغ و طبیعت توسط لشکر خزان، گریزی به وضعیت نابسامان کشور زده و به بیان مسائلی که باعث ویرانی آن شده می‌پردازد. در واژه های لشکرخزان، چشمه خون، فنا، کشورخراب، جانسپاری، ذلت، مولفه های ملی‌گرایی، آزادی-خواهی، جامعه‌باوری مشخص است.

غزل ضربی

باش تا پنجه ناهید زند زخمه به چنگ / آورد اختر ما دامن مقصود به چنگ / نور پاک احدی رفع کند ظلمت شرک / خلق‌پاک بشری محو کند نقشه جنگ / قهر نادان نکند آبروی علم به گور / دست ظالم نزند شیشه انصاف به سنگ (بهار، ۱۳۸۸: ۱۱۷۲)

گفتمان این تصنیف با به کار بردن واژه هایی چون ظلمت، شرک، نقشه جنگ، ظالم و انصاف، بر پایه مؤلفه هایی نظیر ملی‌گرایی و آزادی‌خواهی شکل، گرفته است که البته بهار توانسته است از طنز وارونه برای بیان مقصود خویش بهره ببرد.

باد صبا

ای نازنین / ای مه‌جبین / با مدعی کمتر نشین / گل چاک غم برپیرهن زد / از غیرت آتش
در چمن زد / بلبل چو من / شد در چمن / دستان سرا بهر وطن / دیدی که ظالم تیشه‌اش را
آخر به پای خویشتن زد / ایرانیان از بهر خدا / یک دل شوید از صدق و صفا / تا چند نفاق تا
کی دغلی / تا چند غرض تاکی دو دلی / آخر بس است این بد عملی / بس است این منفعلی
(بهار، ۱۳۸۸: ۱۱۷۳)

در تصنیف فوق، بهار از باد صبا می‌خواهد تا به نزد معشوق (گل) رفته و خبر از حال
عاشق دهد که چگونه به جای شراب، خون می‌خورد و اما گل با شنیدن این اوصاف بر
پیراهن، چاک غم می‌زند و از غیرتش بر چمن آتش می‌زند سپس در ادامه دوباره با میهن
پرستی بهار مواجهه می‌شویم. در معانی واژه‌های غیرت، وطن، ظالم، ایرانیان، یکدل، صدق،
نفاق، مؤلفه‌های ملی‌گرایی، آزادی‌خواهی، جامعه‌باوری و مردم‌سالاری آشکار است.

ای ایرانی

آخر ای ایرانی! / تا به کی نادانی / تا چند سرگردانی / بر اروپا بنگر / شور و غوغا بنگر /
کز مژگان خون رانی / باری باری بر خود کن نظری / داد ازین دربدری آه ازین بی‌خبری /
عزت تو جلالت و شجاعتت کو؟ / جلال تاریخی و آن برش شمشیر تو کو؟ / کورش و دارای
مهین خسرو و شاپورکزین / غرش و آوای سواران جهانگیر تو کو؟ (بهار، ۱۳۸۸: ۱۱۷۴)

در تصنیف مذکور، بهار با زبانی تند، خطاب به ملت ایران، نادانی و جهل او را یادآور
می‌شود و آن را سبب عمده ویرانی وطن می‌داند. سپس برای بیداری وجدان تاریخی و ملی
ایرانیان، به دوران پر افتخار گذشته برمی‌گردد و خطاب به ملت ایران، با لحنی پر خطاب و
عتاب می‌گوید که آن عزت و جلال گذشته‌ی تو چه شد؟ رستم دستان و سام نریمان که باید
سر مشق تو باشند، چرا از یاد تو رفته‌اند؟ تو آن شده‌ای که پند بزرگان را از دل بیرون
رانده‌ای و به جای آن، اهریمن را به دل جای داده‌ای و علت تیره روزی تو هم همین است.
مؤلفه‌های ملی‌گرایی، آزادی‌خواهی، جامعه‌باوری، پارلمانتیسم و مردم‌سالاری با به کارگیری

واژه‌هایی نظیر ایرانی، اروپا، خون، بی خبری، عزت، جلال، شجاعت، شمشیر، کورش، شاپور، گفتمان این تصنیف را تشکیل داده‌اند.

زن باهنر

جمال بشر تویی / ز گل تازه‌تر تویی / به پاکی سمر تویی / که رشگ قمر تویی / عزیزم / در عالم / جای زن / باید باشد بر روی دیده / زن در زندان / یارب که دیده / چه شد عزیزان که حال نسوان - بود بدینسان زار / سیاهکاری و جهل و خواری - بود مدامش کار / زنی کاو به جهان هنر ندارد / ز حسن بشری خبر ندارد / بناز ای زن با هنر که عالم / گلی از تو شکفته‌تر ندارد / زنانی که به جهل در حجابند / ز آداب و هنر بهره نیابند / چنین زن به جهان ثمر ندارد / فرو خوان کتاب را / برافکن حجاب را / ازین بیش‌تر به گل / میوش آفتاب را / آه نگارا نگارا مده دل خدا را به حرف کسی / وای که گل را زیانی نباشد ز خار و خسی (بهار، ۱۳۸۸: ۱۱۷۵)

این تصنیف در رابطه با آموزش و پرورش زنان در آن دوران سروده شده است. در آن زمان شیخ فضل الله نوری و سید علی شوشتری فتوایی بر علیه مدرسه رفتن زنان و دختران صادر کردند که مخالفت‌هایی را در پیش داشت و بسیار نامه‌ها و مقالات اعتراض آمیز از طرف زنان و مردان آزادی‌خواه منتشر شد و این عمل را محکوم ساختند. بهار نیز از جمله کسانی بود که با عدم آموزش و پرورش زنان مخالف بود و با سرودن اشعار و تصانیف انتقادی با آن مبارزه می‌کرد که تصنیف فوق یکی از آنهاست. در این تصنیف، کلمات زن، زندان، سیاه‌کاری، جهل، هنر، حجاب، نشان از آزادی‌خواهی، جامعه‌باوری دارند و واژه «حرف کسی» و «خاروخسی» مشخصاً همان مخالفان آزادی زنان می‌باشند که شاعر خواستار مبارزه با آنان است.

۷- نتیجه‌گیری

ادبیات دوران مشروطه، سرشار از نکات اجتماعی و مردمی و غنی از ابداعات و اختراعات این روزگار می‌باشد که در واقع، انعکاسی است از رویدادهای اجتماعی این زمانه و مبین

گفتمان دردها، ستم‌ها، مقاومت در برابر جوروجفاها و اعلام وفاداری به جنبش‌های مردمی. پیدایش تصانیف دوره مشروطه و گسترش آن‌ها، با نظام سلطه در دوره قاجار پیوند برقرار کرده و با روابط قدرت در آمیخته است. در این گذار، شبکه قدرت دوره قاجار توانسته است صورت موسیقی خاصی را بیافریند. تصانیف برگزیده ملی، بر مضامینی نظیر استبدادستیزی، ملی‌گرایی، آزادی‌خواهی، جامعه‌باوری، مردم‌سالاری و عقل‌مداری تکیه می‌کنند. در نظریه گفتمان انتقادی، قدرت، سلطه یک گروه یا شخص بر دیگران نیست بلکه قدرت به مثابه سازمان شبکه‌ای عمل می‌کند. با علم به اینکه گفتمان‌ها در این شبکه، می‌توانند همواره در معرض فروپاشی قرار گیرند، گفتمان‌های حامل مفاهیم ملموس‌تر، از اقبال عمومی بیشتری نزد مخاطبان برخوردارند. اکثریت مخاطبین این آثار معترضان و آزادی‌خواهان را عموم مردم تشکیل می‌دادند بنابراین به تدریج زبان ساده‌تری برای بیان مضامین ملی به کار گرفته شد. گفتمان‌های مذکور در تصانیف میهنی مشروطه، بازتاب و بیانگر نظام‌های حاکم بر دوران مشروطیت هستند و راهبردهایی برای برون رفت از آن بحران تاریخی را پیشنهاد می‌دهند. در این میان گفتمان ناسیونالیسم، محور همه تصانیف را سامان بخشیده است. تحول گفتمان موسیقی ایران با اشعار و تصانیف انقلابی موسیقی‌دان‌ها و شاعرانی چون ملک‌الشعراى بهار در نهضت مشروطه صورت پذیرفت و پیدایش این چنین گفتمان‌هایی در آن دوران سبب تحریک مردم و به پیروزی رسیدن انقلاب مشروطه شد. تحول جایگاه و مضمون تصانیف و موسیقی، تغییر فرم و نو شدن تصانیف بر اساس موسیقی غربی مبتنی بر میهن پرستی، آزادی‌خواهی، ملی‌گرایی، برابری‌خواهی، مردم‌سالاری، جامعه‌باوری و انتقاد از قدرت حاکم از ویژگی‌های مهم و بارز تصانیف این دوره است.

کتابنامه

۱. آدمیت، فریدون، (۱۳۴۵) اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، چاپ اول، تهران، انتشارات خوارزمی
۲. ----- (۱۳۵۴) دموکراسی اجتماعی، تهران، انتشارات پیام
۳. ----- (۱۳۵۵) ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران، انتشارات پیام
۴. آدوی یل، م. ویکتور، (۱۳۵۳) «موسیقی نزد ایرانیان (۱۸۸۵ میلادی)»، ترجمه حسینعلی ملاح، مجله هنر و مردم، بهمن ۵۳، شماره ۱۴۸، صص ۵۱-۴۰
۵. آربلاستر، آنتونی، (۱۳۷۷) ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز
۶. ----- (۱۳۸۵) دموکراسی، ترجمه حسن مرتضوی، چاپ دوم، تهران، نشر آشیان
۷. آژند، یعقوب، (۱۳۸۴) تجدد ادبی در دوره مشروطه، تهران، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
۸. آشوری، داریوش، (۱۳۹۴) دانش‌نامه سیاسی، چاپ بیست و چهارم، تهران، انتشارات مروارید
۹. ----- (۱۳۹۲) باز اندیشی زبان فارسی، چاپ ششم، تهران، نشر مرکز
۱۰. احمدی، حمید، (۱۳۹۰) بنیادهای هویت ملی ایرانی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
۱۱. اتحادیه، منصوره، (۱۳۶۱) مرام‌نامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی در ایران در دومین دوره مجلس شورای ملی، چاپ اول، تهران، نشر تاریخ ایران
۱۲. ادیب الممالک فراهانی، محمد صادق خان، (۱۳۱۲) دیوان کامل، تصحیح وحید دستجردی، تهران، نشر ارمغان
۱۳. اسلامی ندوشن، محمدعلی، (۱۳۵۶) جام جهان بین، چاپ اول، تهران، نشر ایران مهر
۱۴. اکشلال، رابرت و دیگران، (۱۳۸۵) مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه محمد قایدشرفی، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز
۱۵. امانت، عباس، (۱۳۸۲) زمینه‌های فکری انقلاب مشروطه (انقلاب مشروطیت: از سری مقالات دانش‌نامه ایرانیکا)، ترجمه پیمان متین، تهران، نشر امیرکبیر

۱۶. امینی، علی‌اکبر، (۱۳۹۰) گفتمان ادبیات سیاسی ایران در آستانه دو انقلاب، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات
۱۷. بشیریه، حسین، (۱۳۸۰) تاریخ اندیشه های سیاسی قرن بیستم، جلد اول، چاپ سوم، تهران، نشر نی
۱۸. بویس، مری و فارمر، هنری جورج، (۱۳۶۸) دو گفتار درباره خنیاگری و موسیقی ایران، ترجمه بهزاد باشی، تهران، انتشارات آگاه
۱۹. بهار، ملک‌الشعرا، (۱۳۸۸) دیوان اشعار، چاپ دوم، تهران، انتشارات آگاه
۲۰. خاتمی، احمد و دزفولیان، کاظم، (۱۳۹۴) «بررسی ناسیونالیسم ایرانی و عربی و بازتاب آن در شعر مشروطه ایران و نهضت عرب»، کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۲۹-۵۰
۲۱. خارابی، فاروق، (۱۳۷۶) «عنصر سیاسی و اجتماعی در شعر مشروطه»، نامه علوم اجتماعی، پاییز و زمستان، شماره ۱۰ و ۹، صص ۱۴۹-۱۱۷
۲۲. درویشی، محمدرضا، (۱۳۹۴) نگاه به غرب: بحثی در تاثیر موسیقی غرب بر موسیقی ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات ماهور
۲۳. راوندی، مرتضی، (۱۳۷۴) تاریخ اجتماعی ایران، جلد هشتم، چاپ دوم، تهران، انتشارات نگاه
۲۴. راهگانی، روح انگیز، (۱۳۷۷) تاریخ موسیقی ایران، تهران، انتشاران پیشرو
۲۵. لطفی، محمدرضا، (۱۳۷۲) کتاب سال شیدا: مجموعه مقالات موسیقی ویژه پژوهش در فرهنگ ایران، تهران، کتاب خورشید
۲۶. سردارنیا، خلیل‌الله، (۱۳۹۲) درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی در خاورمیانه، تهران، نشر میزان
۲۷. سردارنیا، خلیل‌الله و محسنی، حسین، (۱۳۹۶) «روشن‌فکری مشروطه از آرمان شهر دموکراتیک تا اقتدارگرایی»، فصلنامه دولت پژوهی، سال سوم، شماره ۱۱، پاییز ۹۶، صص ۸۷-۱۲۱
۲۸. سیاوشی، سوزان، (۱۳۸۰) لیبرال ناسیونالیسم در ایران، مترجم علی محمد قدسی، تهران، انتشارات باز
۲۹. علوی، پرویز، (۱۳۷۴) زبان تخصصی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، جلد اول، تهران، علوم نوین

۳۰. فاضلی، محمد، (۱۳۸۳) «گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی»، پژوهشنامه ی علوم انسانی و اجتماعی، سال ۴، شماره ۱۴ صص ۱۰۷-۸۱
۳۱. فرکلاف، نورمن، (۱۳۸۹) تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه گروه مترجمان، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه
۳۲. فرهنگي، سهيلا و بانگ آور، سودابه، (۱۳۹۴) «تحليل گفتمان انتقادی داستان کوتاه «ناخلف» نوشته مهدی شجاعی»، ادبیات انقلاب اسلامی (ویژه نامه فرهنگستان)، شماره ۲، صص ۱۵۴-۱۳۵
۳۳. فرهیخته، شمس‌الدین، (۱۳۷۷) فرهنگ فرهیخته (واژه‌ها و اصطلاحات سیاسی - حقوقی)، تهران، انتشارات زرین
۳۴. قوام، عبدالعلی و قیصری، محمد، (۱۳۹۱)، «ملی‌گرایی و دولت - ملت‌سازی در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۷۱، صص ۳۶-۱۱
۳۵. کاتم، ریچارد، (۱۳۷۸) ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، چاپ دوم، تهران، انتشاران کویر
۳۶. کریمی حکاک، احمد، (۱۳۸۴) طلوعه تجدد در شعر فارسی، ترجمه مسعود جعفری، تهران، انتشارات مروارید
۳۷. کوهستانی‌نژاد، مسعود، (۱۳۸۴) موسیقی در عصر مشروطه پژوهشی در هنر عصر مشروطیت، چاپ اول، تهران، نشر مهر نامک
۳۸. مشحون، حسین، (۱۳۸۸)، تاریخ موسیقی ایران، چاپ دوم، تهران، نشر نو
۳۹. میلانی، عباس، (۱۳۸۱)، تجدد و تجددستیزی در ایران، چاپ سوم، تهران، نشر اختران
۴۰. نواب صفا، اسماعیل، (۱۳۷۷) قصه ی شمع، تهران، نشر البرز
۴۱. نوروزی خیابانی، مهدی، (۱۳۷۰) فرهنگ لغات و اصطلاحات (انگلیسی - فارسی)، تهران، نشر نی
۴۲. ورهام، غلامرضا، (۱۳۶۹) تاریخ سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار، چاپ دوم، تهران، انتشارات معین
۴۳. همایی، جلال‌الدین، (۱۳۳۹)، «غزل و تحول اصطلاحی آن در قدیم و جدید» مجله یغما، شماره ۱۴۱، صص ۸۳-۷۷
۴۴. یارمحمدی، لطف‌الله، (۱۳۹۳) درآمدی به گفتمان‌شناسی، تهران، نشر هرمس

45. hymes, dell, (2005), *models of the interaction of language and social life: toward a descriptive theory, intercultural discourse and communication: the essential reading*, oxford , Blackwell publishing ltd
46. Jahanbegloo, Ramin,(2013), *Democracy in Iran*, palgrave macmilan, UK.
47. Smith, William & Lockwood, John, (1976), *Chambers Murray Latin-English Dictionary*, Morrison & Gibb Ltd London and Edinburg.